



سه شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴ شماره ۸۷۸۱

irannewspapper irannewspapper

چرا حمله به ایران بر خلاف تصور نتانیاهو منجر به ناآرامی های اجتماعی نشد؟

بمب‌هایی با چاشنی توهم

تحلیل

حملات تجاوزکارانه هوایی آمریکا و اسرائیل علیه ایران برخلاف امیدواری‌های بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نتوانست آتش شورش علیه جمهوری اسلامی ایران را برافروزد. در واقع، این ایده که بمباران بتواند روحیه مردم را در هم شکسته و آنها را علیه رهبران شان بشوواند، ایده‌ای قدیمی و اصولاً بی اعتبار است.

هنوز مشخص نیست که حملات هوایی آمریکا چه میزان خسارت به تأسیسات هسته‌ای ایران زده، با این حال، گزارش اولیه اطلاعاتی آمریکا برخلاف ادعای ترامپ، نشان می‌دهد که ایران می‌تواند ظرف چند ماه، غنی سازی اورانیوم را از سر بگیرد. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز بنابر اظهاراتش، به همین نتیجه رسیده است. با این حال، می‌توان با اطمینان نسبی گفت که کارزار گسترده بمباران اسرائیل و آمریکا، اغتشاشی علیه جمهوری اسلامی به راه نینداخت؛ نتیجه‌ای که نتانیاهو به آن امید داشت.

ایده بمباران غیرنظامیان برای درهم‌شکستن روحیه آنها و پشت‌کردن به رهبران شان بارها آزموده شده و عمدتاً شکست خورده است. این تاکتیک در جنگ داخلی اسپانیا با بمباران سال ۱۹۳۷ گرنیکا توسط آلمان و ایتالیا، همچنین در جنگ جهانی دوم با حملات آلمان به بریتانیا یا تخریب شهرهای آلمان نازی توسط متفقین و همچنین در عملیات «رعد غلطان» آمریکا در ویتنام شمالی بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ از جمله مواردی بود که نتیجه‌ای نداشت. بمباران‌های کنونی اسرائیل در غزه نیز همین‌گونه بوده است.

تاریخچه شکست بمباران استراتژیک

بمباران استراتژیک که گاهی بمباران ترور (وحشت) یا اشباع نامیده می‌شود، تاکتیکی بود که بین دو جنگ جهانی، به ویژه توسط جولیو دوه، ژنرال ایتالیایی ابداع شد. در جنگ جهانی دوم، این حملات وحشیانه هوایی با نام‌هایی چون ارتزور «بامبر» هریس، فرمانده نیروی هوایی بریتانیا و کریس امرسون لمی، ژنرال نیروی هوایی آمریکا گره خورده است. لمی که در سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ شهرهای ژاپن را ویران کرد و صدها هزار غیرنظامی را کشت، بعدها اعتراف کرد که اگر آمریکا شکست می‌خورد، او به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه می‌شد. بمباران استراتژیک شهرها را با خاک یکسان کرد و هریس به آرزوی خود برای «کشتن تعداد زیادی آلمانی» رسید. اما با وجود استفاده گسترده در جنگ جهانی دوم، این تاکتیک هرگز به شورش مردمی نینجامید. حتی بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی نیز قیامی علیه دولت ژاپن به دنبال نداشت.

در واقع، بمباران می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد؛ خشم مردم را برمی‌انگیزد. تلاش آلمان برای تضعیف روحیه لندن‌ها در سال ۱۹۴۱ تنها آنها را مصمم‌تر کرد و باورشان به مقاومت را تقویت نمود. همین واکنش در برلین، حتی در میان کسانی که از هیتلر متنفر بودند نیز



تظاهرات در تهران

دیده شد. مردم به مقاومت خود افتخار می‌کنند، به ویژه وقتی با دشمنی مشترک روبه‌رو شوند.

وینتنامی‌های شمالی مجبور به اطاعت از رهبران شان بودند، اما شواهدی وجود ندارد که بمب‌های آمریکایی روحیه آنها را درهم شکست یا به شورش عمومی منجر شد. میهن پرستی وینتنامی‌ها در برابر حملات هوایی آمریکا واقعی بود.

ایرانیان ودخالت خارجی

حقیقت این است که اکثر مردم از تجاوز بیگانه و بمباران توسط قدرت‌های خارجی بیزارند. این موضوع به ویژه در کشوری مانند ایران، با تاریخچه‌ای تلخ از دخالت‌های خارجی صدق می‌کند. کودتای سال ۱۹۵۳ با حمایت آمریکا و بریتانیا دموکراسی نوپای ایران را نابود کرد. هرچند شاید به ادعای برخی، اگر نفرت از این کشورهای غربی کاهش یافته باشد، ایرانیان همچنان به نیت آنها مشکوک هستند. تصور اینکه ایرانیان حول پرچم ترامپ گرد آیند یا نتانیاهو را ناجی سیاسی خود ببینند، خیالی واهی است. همان‌طور که دخالت‌های نظامی غربی در آسیا و خاورمیانه نشان داده، بمباران به تغییر حکومت منجر نمی‌شود.

درس‌هایی از تاریخ

گاهی از پیروزی آمریکا بر ژاپن و آلمان در جنگ جهانی دوم و تحول دموکراتیک بعدی آنها به عنوان مثال نقض مطرح می‌شود. اما نقش بمباران استراتژیک در این پیروزی هم‌چنان مورد مناقشه است. این جوامع پس از جنگ و تحت نظارت منتقدین و توسط نخبگان این کشورها بازسازی شدند. هیچ‌کس پیشنهاد اشغال ایران توسط آمریکا یا اسرائیل را ندارد، چه رسد به اینکه چنین اقدامی نتایجی مشابه آلمان و ژاپن داشته باشد.

منبع: ProjectSyndicate

تجارب جنگ ۸ ساله ایران با عراق چه تأثیری بر دفاع موفق ۱۲ روزه داشت؟

ریشه های مقاومت ایرانیان



تظاهرات در تهران

گرفته است.» در جنگ ایران و عراق، صدام با هدف بهره‌برداری از آشوب سیاسی که به دست منافقین پدید آمده بود و همچنین تصرف مناطق نفت خیز کشور، به ایران حمله کرد. این جنگ یکی از مرگ‌بارترین درگیری‌های قرن بیستم به شمار می‌رود و صدها هزار نفر از هر دو طرف کشته شدند. صدام از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران استفاده کرد و زیرساخت‌های نفتی ایران را هدف قرار داد، اما در تصرف میدان‌های نفتی شکست خورد. این جنگ باعث شد ایران استراتژی دفاعی خود را بازطراحی کند. پس از جنگ، تهران قسم خورد دیگر هرگز به قدرت‌های خارجی برای تأمین تسلیحات دفاعی وابسته نشود. ایران شروع به ساخت موشک‌های بالستیک و پهپادها کرد، برنامه هسته‌ای خود را گسترش داد و شبکه‌ای از نیروهای مقاومت منطقه‌ای را برای حفاظت از مرزها و بازدارندگی دشمنان پرورش داد.

ولی نصر می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایدئولوژی را به ایران داد، اما ذهنیت و ساختار امنیت ملی کشور از دل جنگ ایران و عراق شکل گرفت.» تحلیل‌گران می‌گویند که پذیرش موشک‌ها و دیگر تسلیحات نامتقارن برای جلوگیری از جنگ فرسایشی مشابه جنگ با عراق بود که سریعاً منابع نظامی و نیروی انسانی ایران را تحلیل برد. افشون استوار می‌افزاید: «ایران پس از جنگ ایران و عراق به تلفات بسیار حساس شد. این موضوع از نظر سیاسی اهمیت زیادی داشت. بنابراین، آن‌ها ماتریس بازدارندگی خود را ایجاد کردند.»

منبع: wall Street Journal

ارتش یمن: با ۱۱ موشک و پهپاد به تجاوز اسرائیل پاسخ دادیم

خبر



اشدود با موشک بالستیک فراصوت، و همچنین نیروگاه برق در منطقه اشغالی عسقلان با موشک بالستیک فراصوت و بندر دام الرشراش (ایلات) با پهپاد مورد حمله قرار گرفتند.» سخنگوی نیروهای مسلح یمن تأکید کرد که تمام موشک‌ها و پهپادها با موفقیت به اهداف خود اصابت کرده و سامانه‌های پدافند موشکی اسرائیل نتوانستند آنها را رهگیری کنند. وی تأکید کرد که یمن کاملاً آماده دفع هر گونه طرح نظامی دشمن و ادامه مقابله طولانی مدت است. یمن همچنین مصمم است به محاصره دریایی علیه رژیم صهیونیستی ادامه دهد تا به مردم غزه یاری برساند.

سخنگوی نیروهای مسلح یمن در بیانیه‌ای اعلام کرد که پدافند هوایی این کشور با موفقیت به تجاوزات رژیم صهیونیستی به چندین شهر یمنی پاسخ داده و در واکنش به این تجاوزات، یمن با شلیک ۱۱ موشک و پهپاد به مراکز حساس رژیم صهیونیستی، از جمله فرودگاه بن گوریون و بندر اشدود، پاسخ داد.

سرتیپ «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن در بیانیه‌ای از موفقیت سامانه‌های پدافند هوایی این کشور در دفع تجاوز رژیم صهیونیستی خبر داد. طبق گزارش شبکه المسیره، بر اساس این بیانیه، سامانه‌های پدافند هوایی یمن با شلیک موشک‌های زمین به هوای ساخت داخل، چندین جنگنده متجاوز را وادار به ترک حریم هوایی یمن کردند و مانع از انجام حملات هوایی شدند. یحیی سریع گفت: «در واکنش به این تجاوزات، یگان موشکی و پهپادی یمن عملیات نظامی مشترکی را با شلیک ۱۱ موشک و پهپاد انجام دادند.» وی افزود: «در این عملیات فرودگاه الدن (بن‌گوریون) با موشک بالستیک فراصوت (فلسطین ۲)، بندر

خاورمیانه

فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا به لبنان، پس از دیدار با «ژوزف عون» رئیس‌جمهوری لبنان در کاخ بعداً بیروت به خبرنگاران اعلام کرد: «به تازگی جلسه‌ای بسیار مهم و به شکل گفت‌وگوهای مشترک ۱۱ موشک و پهپاد انجام دادند.» وی افزود: «در این عملیات فرودگاه الدن (بن‌گوریون) با موشک بالستیک فراصوت (فلسطین ۲)، بندر

حساس برای لبنان و کل منطقه است.» به گزارش الجزیره، «تام باراک» با اشاره به تلاش‌های دیپلماتیک واشنگتن افزود: «در حال تدوین یک طرح برای آینده لبنان هستیم. این فرآیند نیازمند گفت‌وگو، تبادل نظر و همکاری مشترک است. خوشبختانه پاسخ لبنان به ابتکارعمل آمریکا رضایت‌بخش بوده است.» باراک در رابطه با موضع واشنگتن نسبت به حزب‌الله نیز اظهار کرد: «ما هیچ چیز را بر لبنانان تحمیل نمی‌کنیم. این وظیفه خود لبنانی‌هاست که تصمیم بگیرند چگونه با حزب‌الله تعامل کنند، نه وظیفه آمریکا.»

فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا همچنین گفت: «دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، متعهد به حمایت از لبنان است، اما او بی‌نهایت

جهان

۵

بدون رونوش



محمد محسن فاضلی

کارشناس مسائل فلسطین

نتانیاهو در آمریکا، تیم‌های

مذاکره کننده در قطر

نتانیاهو برای سومین بار در ۵ ماه گذشته است که به آمریکا سفر می‌کند. سفری حدوداً سه روزه که برخلاف سفرهای پیشین به نظر می‌رسد هدف آن اقدامات رسانه‌ای نیست و بیشتر حول مسأله ایران و آینده جنگ مستقیم آغاز شده با تهران و همچنین آتش‌بس در غزه می‌چرخد. به طور ویژه براساس آنچه رسانه‌های آمریکایی می‌گویند، ترامپ به دنبال آن است که همزمان با حضور نتانیاهو در آمریکا از آتش‌بس با حماس و آزادی حداقل ۱۰ اسیر از ۲۰ اسیر زنده در غزه رونمایی کند. ترامپ با ناکامی در پایان دادن به پرونده‌های بین‌المللی از جمله پرونده هسته‌ای ایران، جنگ اوکراین روسیه و همچنین نبرد تعرفه‌ای با چین حالا به دنبال رسیدن به آتش‌بس در غزه است. آتش‌بسی که بسیاری معتقدند دیگر زمان آن فرا رسیده است.

طرحی که اکنون از سوی میانجیگران بالاخص قطر ارائه شده، نقابت چندانی با طرح‌های مطرح شده در سه ماه گذشته که از سوی نتانیاهو رد شده، ندارد. لیبرمن وزیر جنگ سابق اسرائیل گفته است: «امیدوارم ترامپ یک توافق جامع را به نتانیاهو تحمیل کند؛ هیچ توجیهی برای یک توافق جزئی وجود ندارد. دولت تنها به یک دلیل در این مسیر تلاش می‌کند، حفظ ائتلاف.»

گفتنی است منظور اسرائیلی‌ها از توافق جامع آزادی همه اسرا و پایان جنگ است. در آتش‌بس پیشنهادی کنونی ۶۰۰ روزه تنها نیمی از اسرای زنده یعنی ۱۰ نفر آزاد خواهند شد و ۱۰ اسیر بعدی را حماس منوط به آتش‌بس دائمی و تکمیل مذاکرات کرده است.

همچنین رادیو ارتش اسرائیل در خبری مدعی شد که ارتش رژیم صهیونیستی به کابینه نتانیاهو اطلاع داد که در حال حاضر دست‌نبستی به هر دو هدف جنگ به طور همزمان غیرممکن است (آزادی همه اسرا و نابودی حماس). ارتش معتقد است ایران باید آزادی اسرائیلی در غزه بازگردانده شوند و زمان آتش‌بس فرا رسیده است.

نتانیاهو هم به خوبی می‌داند که در این دوره‌ای قرار گرفته است و در جلسه کابینه پیش از سفر به آمریکا هم گفته بود: «از هدف نابودی حماس دست نخواهم کشید.»

اما سؤال اینجاست که چرا نتانیاهو آتش‌بسی را که در ماه‌های اخیر رد می‌کرد و آن را اشتباه می‌دانست حالا پذیرفته و در حال گفت‌وگو ی جدی حول آن است. یکی از دلایل آن نگرانی از فروپاشی کابینه بود. اما حالا این نگرانی وجود ندارد. روزنامه معاریو مفصل توضیح می‌دهد: «نتانیاهو خودش علاقه آشکاری به توافق غزه دارد. هر کسی که در بحث‌های اخیر او را شنیده باشد، متوجه شده است که او از این توافق حمایت می‌کند، زیرا آزادی اسرا یک برگ برنده سیاسی قدرتمند است. برگ برنده‌ای که می‌تواند به عنوان یک دستاورد اخلاقی، با هدف کاهش انتقادات در داخل و خارج و پیشروی به سوی افق‌های سیاسی جدید، ارائه دهد. مهم‌ترین سؤالی که در ماه‌های اخیر، ارائه حاشیه رانده شده بود، اکنون به خط مقدم بازگشته است: آیا این توافق منجر به سقوط دولت خواهد شد؟ پاسخ امروز کاملاً متفاوت از پاسخی است که تا همین اواخر بدیهی به نظر می‌رسید. فرض اساسی هرازبازایی معقول این است: هیچ کس انتخابات نمی‌خواهد، نه ائتلاف و نه اپوزیسیون.

به نظر می‌رسد بنیامین نتانیاهو امروز تنها کسی است که از شنیدن این کلمه نمی‌لرزد. دلیل اول: کل اردوگاه اسرائیل دچار اختلاف شده است. گادی آیزنکوت کناره‌گیری کرد و باعث ایجاد شکاف شد؛ نفتالی بنت سینگال‌های وسوسه‌انگیزی ارسال می‌کند اما هنوز به هیچ حزبی متعهد نشده است؛ و یائیر لاپید به هیچ نتایج نظرسنجی راضی نیست. در این شرایط، اپوزیسیون به هیچ وجه برای یک رویارویی انتخاباتی آماده نیست. دلیل دوم پیچیده‌تر است: از قبل مشخص است که در انتخابات آینده، لیکود دو رهبر خواهد داشت که آن را به نبرد انتخاباتی هدایت می‌کنند. درست است که ترامپ نمی‌تواند رسماً در سیاست اسرائیل بازیگر باشد، اما چه زمانی تشریفات مانعی برای او بوده است؟ در عمل، او بخشی از مبارزات انتخاباتی خواهد بود. هر کسی که او را باور ندارد، باید دو متنی را که رئیس‌جمهوری آمریکا در حمایت از لغو محاکمه نتانیاهو منتشر کرده است، با دقت بخواند. ترامپ و نتانیاهو در حال حاضر در حال هماهنگی برای آماده‌سازی برای انتخابات هستند و اپوزیسیون این را می‌بیند و از آن می‌ترسد، به حق از پیروزی احتمالی لیکود که با حمایت واشنگتن تقویت می‌شود، می‌ترسد.

حتی وضعیت فعلی رهبران جناح راست، ایتمار بن گوریو و بلال اسمونتریچ، با گذشته متفاوت است. این دو وزیر برجسته‌راست افراطی با این توافق مخالفند و مخالفت آنها موضعی قاطع است. با این حال، آنها عجله‌ای برای از هم شاشیدن ائتلاف ندارند.

باید دید که نتانیاهو به اصلاحیات حماس روی طرح آتش‌بس که بیشتر شامل اشخاص خاص از اسرا فلسطینی برای آزادی می‌شود، پاسخ مثبت خواهد داد یا خیر. اکنون نتانیاهو می‌تواند آتش‌بسی را امضا کند و از پاسخ به خط قرمزش یعنی عدم آتش‌بس تا نابودی کامل حماس در افکار عمومی فرار کند.